

بیانیه

هموطنان،

میهن ما امروزیکی از تاریک ترین مراحل حیات تاریخی خود را می‌گذراند. گرچه انقلاب مردم ایران، در بهمن ماه ۱۳۵۷، نظام استبداد شاهنشاهی را واژگون ساخت، تلاش تاریخی ملت ایران درجهت تحقق آرمان‌های ملی خود یعنی: آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، به سرعت، با هجوم ارجاع و استبداد مذهبی، از پیشرفت بازماند. ولی استقرار نظام استبدادی و ارجاعی جمهوری اسلامی — که در شکل ولایت فقیه تبلور یافت — علل اساسی وریشهای تاریخی این انقلاب وجوه رخواست‌های اکثریت ملت ایران را تغییر نمی‌دهد.

انقلاب مردم ایران بی‌شک برخاسته از استبداد نظام سلطنتی و کلیه آثار تبعی آن یعنی فساد اجتماعی و اقتصادی و فقر فرهنگی و وابستگی حکومت به سیاست‌های استعماری بود: انقلاب بهمن ۱۳۵۷ مولود انفجار نارضایتی و عصیان اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران از فرگیری فساد و ظلم واستبداد و اختناق در همه ضوابط قانونی و روابط غیرقانونی حاکم بر جامعه ایران بود، همان گونه که سرکوب کلیه احزاب سیاسی، سندیکاهای کانون‌ها، شخصیت‌ها و نیروهای ملی و مترقی و آزادیخواه در دوران طولانی استبداد و اختناق و خودکامگی و فساد، سلطه استبداد و ارجاع مذهبی را می‌ساخت.

آثار ناهنجار اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی نظام استبداد سلطنتی بر شرایط زندگی مردم ایران موجب گردید که رژیم جمهوری اسلامی، باسوء استفاده از باورهای مذهبی مردم و اعتقاد و ایمان آنها به افرادی که از روی ریا کاری و فریب خود را مربی روحانی و پیام آور عدالت و برابری اسلامی معرفی کرده بودند، اختناق بی سابقه‌ای را باتوسل به خشونت و برببریت قرون وسطایی بر جامعه ماتحتمیل کند، امیدوانتظار مردم را به امنیت و آزادی برباددهد، قلم هارا بشکند و دهان هارا بیندد، زنان شجاع ایرانی را — که یکی از از کان اصلی فروپاشی رژیم استبداد سلطنتی بودند — با جبر و عنف و باعمال شیوه‌های وحشیانه اسیر «حجاب اسلامی» کند، آنان را از کلیه عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی بیرون راند و عمدۀ ترین آزادی‌های فردی و اجتماعی و حقوق سیاسی و مدنی آنان را سلب نماید.

رژیم جمهوری اسلامی به دنبال یورش و تهاجم همه جانبه به مجموع ذخایر و عوامل حیاتی حیثیت و شئون انسانی، دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی و آموزشی را تعطیل کرد و همه تأسیسات اجتماعی جامعه: از خانواده تا مدرسه و اداره و کارخانه را به مراکز تفتیش عقاید و جاسوسی و پرونده سازی و تسویه حساب‌های خصوصی تبدیل نمود. رژیم جمهوری اسلامی، به جای استفاده از تفاهم و ایثاری که در نتیجه اتحاد اکثریت قریب به اتفاق مردم در جریان انقلاب به وجود آمده بود،

باتبليغات گسترده و باسوه استفاده از اعتماد مردم، بالافشاندن تخم نفاق و تهمت و افترا و تکفیر، زمينه های مساعد و خلاق دوستی و همبستگی و اعتماد را به دشمنی و کین توzi و انتقام جویی مبدل کرد و جریان متنوع جوشش افکار و پرخورد عقاید و آراء رادرسیلابی ازخون و آتش متوقف نمود و هزاران هزارزن و مرد و دختر و نوجوان بیگناه، میهن دوست و آرمان خواه را به جوخره های آتش سپرد یادرزندان های وحشت بار به زیروحشیانه ترین شکنجه ها کشید، کردستان رادرهجم سبعانه خود درخون و آتش ویرانی غرق کرد، مبارزات حق طلبانه مردم آذربایجان و سایر ایالات و ولایات ایران را بیرحمانه سرکوب نمود، باسوه استفاده از جنگی که رژیم توسعه طلب صدام به کشور ماتحملی کرد، جوانان و نوباوگان ماراگر و گروه قربانی کرد و ده ها هزار معلول و صدها هزار آواره و بی خانمان و صدها میلیارد تومان خسارت ناشی ازو یرانی تأسیسات صنعتی جنوب و خانه و هستی مردم جنگ زده برای جامعه مابه ارمغان آورد، باتاراج ثروت ملی واشاعه فساد و تقدیم میلیاردها دلار اندوخته ارزی کشور به بیگانگان اقتصاد کشور مارا بش از گذشته به دولت های بیگانه وابسته کرد، از آزادی و استقلال وعدالت اجتماعی — که خواست و آرمان مردم مابود — جزامید بر بادرفته ای درخاطره ملت مستمدیده ایران بر جای نماند. طبیعی است چنین رژیم فاسد و جبار و خود کامه ای که دربستری ازخون و آتش و ظلم واستبداد و خفقات پیش می رود، سرنوشتی بهتر از نظام فاسد و جابر شاهنشاهی نخواهد داشت — و به احتمال قریب به یقین، با آثار و عواقبی بس و یران گرتروشم ترازان.

اکنون نیز نظیر دوران انقلاب مشروطیت و نهضت ملی ضد استبدادی و ضد استعماری به رهبری دکتر محمد مصدق و سال های طولانی ستیز و مبارزه با استبداد سلطنتی، که به انقلاب مردم ایران در بهمن ۱۳۵۷ و فروپاشی نظام فاسد و خود کامه شاهنشاهی انجامید، مسیر اصلی مبارزه سیاسی. در تلاشی همه جانبیه، با استفاده از کلیه شیوه ها، برای سرنگون کردن نظام ارتعاعی و استبدادی جمهوری اسلامی واستقرار حاکمیت ملی و حکومت مردم سalarی تبلور می یابد. تلاش برای واژگون کردن رژیم جمهوری اسلامی واستبداد ولایت فقیه باید آنچنان باتدبر و واقع نگری و دوراندیشی و اتحاد توأم گردد که بار دیگر به تسلط استبدادی تازه یاتجديد اسطوره های شخصیت پرستی و رهبرگرایی منتهی نگردد و باز بار دیگر پریشانی، بیچارگی و استیصال مردم ایران از توحش و شقاوت فبربریت متولیان جمهوری اسلامی، مورد سوء استفاده قدرت مداران تازه به دوران رسیده و هواداران رژیم پیشین به عنوان «نجات دهنده گان» موعود ایران قرار نگیرند.

اجتناب از این فاجعه و احیای حاکمیت ملی واستقرار دموکراسی و حکومت ملی و متفرق مشروط به این تصمیم و کوشش است که طرفداران صدیق و آگاه واقعی آزادی و استقلال وعدالت اجتماعی ایران به ایجاد سازمان سیاسی وسیعی که پاسخ گوی خواست ها و نیازهای عمده و مبرم مردم مادراین مرحله تاریخی باشد دست یازند. بخش عظیمی از نیروهای ملی و متفرق و آزادیخواه ایران جمهوری خواهند و با هر گونه نظام خود کامه سلطنتی و مکتبی و مسلکی — که در ذات و ماهیت خود مخالف باتناوب قدرت برحسب آرای آگاهانه مردم است — مخالفند. تلاش و کوشش برای گردهم آوردن و تشکل این نیروها وظیفه ای است که اینک همه عناصر و شخصیت ها و گروه های سیاسی ملی و متفرق و سوسیالیست های آزادیخواه ایران بر عهده دارند. در حال حاضر، برآنداختن رژیم جمهوری اسلامی و پایان دادن به استبداد و فساد وزورگویی و آدمکشی ولایت فقیه به منظور استقرار دموکراسی و حاکمیت ملی در ظرفیت هیچ یک از گروه هاوسازمان های سیاسی به تنها نیست.

تشکیل ملیون و آزادیخواهان ایران این امکان را پیدید می‌آورد که همه عناصر و گروه‌های نیزه ای که خود را در طیف‌های مختلف فکری و اعتقادی به جریان تاریخی نهضت ضد استبدادی و ضد استعماری ملت ایران وابسته می‌دانند، دست ائتلاف و اتفاق و اتحاد به هم دهنده و براساس هدف‌های عمدۀ و برنامۀ ای موجز و مشترک — که پاسخ‌گوی ضرورت تاریخی این مرحله از مبارزه ملت ایران است — متحد و همگام و هم‌زمان شوند و در پرتواین اتحاد و همگامی در مبارزه سیاسی — اجتماعی، شام سیاه میهن ماراسخر کنند.

ملیون مترقبی و آزادیخواهان آگاه ایران به هیچ وجه حاضر نیستند به بهانه «سلطنت مشروطه» به استقرار مجدد خانواده پهلوی در مسند حکومت استبدادی تن در دهنده، چراکه اصول حکومت مشروطه و دستاوردهای انقلاب مشروطیت اکیداً توسط نهاد سلطنت در دوران پهلوی پایمال شد. تجربه تاریخی سلطنت در ایران و ماهیت و ترکیب نیزه‌هایی که دیروز پاسدار نظام شاهنشاهی آرام‌مهری بودند و امروز پشت عنوان «سلطنت مشروطه» سنگر گرفته‌اند میین این واقعیت است که در ایران، نهاد سلطنت ناقض مشروطیت واستقرار دموکراسی واستقلال و حکومت ملی است. برنامه «سلطنت طلبان» که، پیش‌اپیش، همه قوانین دوران پهلوی را پایه و اساس حکومت «مشروطه» اعلام می‌کنند، ماهیت واقعی نظام دلخواه آنان را به روشنی نمایان می‌سازد.

آزادیخواهان آگاه و ملیون مترقبی ایران اعتقاددارند که نظام سیاسی جامعه ماناید به قیود و ضوابط واحکام انحصاری هیچ مذهب و مسلکی مقید باشد، زیرا نظام مردم سالاری و حاکمیت ملی بر اصل تناوب و انتقال قدرت بر حسب آرای اکثریت رأی دهنده استوار است. و بهمین دلیل، نظام جمهوری بر پایه حاکمیت ملی و مردم سalar نمی‌تواند با هیچ نشان و شعاری که شاخص انحصاری اعتقادات مذهبی و مسلکی گروه‌های سیاسی و اجتماعی باشد مشخص شود. به عقیده ما، استقرار «جمهوری ایران» — که خواناترین شکل حاکمیت ملت است — باید سرلوحة مبارزه ملیون مترقبی و آزادیخواهان ایران قرار گیرد.

مبارزان و فعالان و نیزه‌های ملی و مترقبی و آزادیخواه ایران، چه در داخل و چه در خارج کشور، باید با پشتکار و پیگیری بکوشند تا براساس یک توافق جدی و یک تفاهم اصولی، همه افراد و گروه‌های نیزه‌های ملی و مترقبی و جمهوری‌خواه را گردهم آرند و وزیر لوای سه اصل جدایی ناپذیر «آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی» با حفظ هویت سیاسی و سازمانی خود، در یک تشکل وسیع، فعالیت ها و مبارزات خود را همسوهمانگ سازند. تحقق این اتحاد عمل سیاسی و این تشکل وسیع، به یقین، نیزه‌ها و امکانات مؤثر و پویایی را به صحنۀ نبرد و مبارزه بارزیم جمهوری اسلامی و به منظور استقرار دموکراسی و حکومت ملی و جمهوری ایران خواهد کشاند و افق تازه‌ای را در طیف نیزه‌های ملی و مترقبی و آزادیخواه و مخالف ارتتعاج و استبداد و استعمار خواهد گشود.

امضاکنندگان این بیانیه، بامسؤولیتی که در این لحظات خطیر، تاریخ ایران احساس می‌کنند، تصمیم گرفته‌اند مساعی خود را درجهت پی‌انداختن چنین تشکل وسیعی بر مبنای اصول عده و اساسی زیر به کار بندند:

- ۱- استقرار حاکمیت ملی و حق شرکت و نظارت مردم در تاسیس و عملکرد نهادهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی در نظام جمهوری ایران تحقق خواهد داشت.
- ۲- جمهوری ایران براساس نظام دموکراسی پارلمانی، اصل تفکیک قوا، اصل تنوع عقیده، مذهب و مسلک، تامین و تضمین حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی مندرج در اعلامیه جهانی

حقوق بشر و ميثاق های ضميمه آن استوار خواهد بود.

۳- جمهوری ايران براساس جدایی دین از حکومت استوار خواهد بود بدون اين که پرowan هیچ مذهب و مسلکی را زد خالت درسياست بازدارد.

۴- در جمهوری اiran زن و مرد از حقوق مدنی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مساوی و مشابه برخوردار خواهند بود.

۵- برای تحقق دموکراسی و تعميق و گسترش حاکمیت ملي - که اساس آن شرکت و نظارت مردم در امور مربوط به مسائل اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی زندگی خویش می باشد - جمهوری اiran براساس عدم تمرکز قدرت استوار خواهد بود. بدیهی است این عدم تمرکز قدرت در چهار چوب تمامیت ارضی اiran و اولویت مصالح ملي نسبت به مصالح محلی خواهند بود. اما رفع تضییقات و محرومیت های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی ملت اiran که در طبقه های مختلف نژادی و زبانی و مذهبی و در زمینه های متنوع سنن و آداب ملي و قومی در سرزمین اiran زندگی می کنند، ایجاب می کند که مردم ولايات و ایالات اiran باحد اکثر امکانات مطلوب در داداره امور محلی و منطقه ای خود شرکت نموده و در تصمیم گیری های مربوط به شرایط زندگی خویش از طریق بنیادهای انتخابی خود سهیم و ناظر باشند.

۶- سیاست پیشرفت و تحول اقتصادی در جمهوری اiran براساس عدم وابستگی و توزیع عادلانه درآمد ملي استوار خواهد بود.

۷- درسیاست خارجی، جمهوری اiran سیاست عدم تعهد رادر پیش خواهد گرفت و با سایر ملل روابط عادی براساس حقوق مساوی و متقابل و جلوگیری از هرگونه نفوذ و مداخله بیگانگان برقرار خواهد کرد. سیاست خارجی جمهوری اiran بر مبنای حسن همچواری با کشورهای همسایه و حسن همدردی با کشورهای جهان سوم، ملل استعمار زده و محکومین تبعیض و تعصب نژادی قرار خواهد داشت.

مابا انتشار این بیانیه گام اول رادر زمینه ارائه یک طرح عمومی جهت ایجاد تفاهم و همبستگی و اتحاد عمل سیاسی عناصر و گروه ها و نیروهای ملي، مترقی و آزادیخواه، برمودر اصول ذکر شده، برداشته ایم. باشد که با هم فکری و همت بلند و همگامی ملیون واقعی و آزادیخواهان آگاه اiran اسباب تحقق این مهم هرچه زودتر فراهم آید.

بنابراین، مازهمه عناصر و گروه ها و نیروهای ملي و مترقی و آزادیخواه درخواست می کنیم، در اسرع وقت، نظرات و پیشنهادات و شیوه همکاری خود را درجهت انتخاب بهترین وسائل ممکن و مفیدترین راه های تشكیل و همگامی با مادریان گذارند.

نامه های خود را به نشانی زیرا رسال دارید و اطمینان داشته باشید که آراء و نظرات و هویت شمامحترم و محفوظ خواهد ماند.

کمال ارس (عضویات اجرایی جبهه ملي اiran دراروپا) - عبدالکریم انواری - مهران براتی - بهروز بیدع - امیر پیشداد - رحمت خسروی - علی راسخ افشار - منوچهر رسا - رضا رهبری - علی شاهنده - حسن شریعتمداری - فرج شعاعی - عباس شرازی - احمد طهماسبی - محمد علی همایون کاتوزیان - علی گوشه - عبدالکریم لاهیجی - قاسم لباسجی - حسین منتظر حقیقی - حسن نزیه - فرهاد یاسائی (عضویات اجرایی جبهه ملي اiran دراروپا). شانزدهم آذرماه ۱۳۶۲ (برابر با هفتم دسامبر ۱۹۸۳)